


نوع مقاله: ترویجی


تحلیلی از رابطه ارزش‌های اخلاقی و تحکیم خانواده از منظر قرآن و سنت

حسین عبدالمحمدی / دانشیار گروه تاریخ جامعه‌المصطفی‌العالمیه

Hoseinmohammadi31@yahoo.com  orcid.org/0000-0002-3289-549X

Homayoon.9013@gmail.com

لیلا همایون‌فرد / طلبة سطح چهار جامعه‌الزهرائیه (گرایش تاریخ اهل‌بیت)

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۱

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷

چکیده

خانواده مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی است که در تربیت انسان‌های متعالی و پی‌ریزی جامعه سالم نقش اساسی دارد. ادیان الهی و صاحب‌نظران برای صیانت از این بنای ارزشمند اجتماعی و تحکیم آن، راه‌کارهایی را با رویکردهای گوناگون جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و دینی ارائه کرده‌اند. این پژوهش مسئله مذکور را از منظر اسلام و با رویکرد اخلاقی مورد بررسی قرار داده و رابطه ارزش‌های اخلاقی با تحکیم خانواده را با روش توصیفی - تحلیلی کاوش کرده است. یافته‌های پژوهش حاکی است؛ رعایت ارزش‌های اخلاقی، از مهم‌ترین عوامل تحکیم خانواده است. هرچه ارزش‌های اخلاقی بیشتر در خانواده رعایت شود پایه‌های آن مستحکم‌تر خواهد شد. در این تحقیق ارزش‌های تأثیرگذار در تحکیم خانواده، به دو بخش ارزش‌های کلامی و غیرکلامی تقسیم شده است. در بخش نخست، فضایی همانند راست‌گویی، پرهیز از دروغ، سپاس‌گزاری و قدردانی، عذرخواهی و عذریذیری، نیکو سخن گفتن و پرهیز از توهین، ابراز محبت، به‌کارگیری اسامی و القاب نیکو، پرهیز از تحقیر و تمسخر؛ و در بخش دوم، تکریم، صبر، حیا و عفت، عفو و گذشت، پرهیز از تجمّل‌گرایی و کنترل خشم مورد بحث قرار گرفته‌اند و نقش آنها در تحکیم خانواده تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، تحکیم، اخلاق، قرآن و عترت.

مقدمه

درباره تشکیل خانواده است و در آن حکمت تشکیل خانواده، موانع تشکیل خانواده و آداب ازدواج بحث شده است. در بخش دوم نیز به طور کلی روایات اقتصادی و حقوقی و اخلاقی و... مؤثر در تحکیم خانواده ذکر شده است. با این وجود این کتاب به طور خاص مطالب اخلاقی مؤثر در تحکیم خانواده را تحلیل و تفکیک نکرده است.

کتاب دیگری با عنوان *سبک زندگی و تحکیم خانواده* (طهماسبی، ۱۳۹۶) در این حوزه وجود دارد که شامل ۵ فصل است؛ و به عناوینی همچون انحطاط بنیان خانواده، وضعیت خانواده، و وظایف زنان و مردان در خانه و خانواده پرداخته است. در واقع این اثر بیشتر از بعد وظیفه به رفتارهای زوجین نگریده و جنبه اخلاق محور بودن را به طور خاص مورد بررسی قرار نداده است.

کتاب *راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی* (ابراهیمی پور و همکاران، ۱۳۹۵) که در این کتاب راهبردهای ابلاغی و اقناعی، به منظور اصلاح ساختارها، قوانین و نظام آموزشی، و اصلاحات فرهنگی و آموزش عمومی، با هدف دستیابی به خانواده محوری، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و بیشتر، مباحث نظری پیرامون خانواده را مطرح کرده است.

همان گونه که بیان شد، در این آثار غالباً بحث تحکیم خانواده به طور کلی مورد بررسی قرار گرفته و نگاه مسئله محور به این موضوع نشده است. اما آنچه این پژوهش را از آثار مشابه متمایز می کند، بررسی رابطه ارزش های اخلاقی با تحکیم خانواده است، که به طور خاص ارزش های اخلاقی زوجین در خانواده را از نگاه آیات و روایات مورد مطالعه قرار داده و رابطه دو سویه اخلاق و تحکیم خانواده، در آن مورد توجه واقع شده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. اخلاق

اخلاق جمع خلق و به معنای سرشت، خوی و طبیعت است که به صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می رود. در مقابل، خلق (به فتح خا) به صورت ظاهری انسان گفته می شود و با چشم قابل رؤیت است (زیبیدی، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۵۷؛ این منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۸۶).

واژه اخلاق در اصطلاح اندیشمندان اسلامی عبارت است از:

خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی و نخستین کانون رشد و آرامش است. اگر در جامعه ای خانواده به خوبی درک شود و با رویکرد صحیح مدیریت گردد؛ زمینه های شکوفایی و تکامل آن جامعه، پدید می آید. در عصر حاضر این کانون مهم گرفتار آسیب هایی است که از جمله آنها اختلافات خانوادگی و طلاق و گسسته شدن پیوندهاست. بدون تردید این مسئله ریشه ها و علل متعددی دارد. تغییر نگاه به زندگی و ازدواج، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، دخالت های نابجای خانواده ها، ناهمگونی فرهنگی و اجتماعی همسران و بد اخلاقی های زوجین، از جمله این علل است. از منظر نویسندگان این مقاله، رابطه ارزش های اخلاقی با تحکیم خانواده بسیار چشمگیر است. هر چه ارزش های اخلاقی توسط همسران بیشتر رعایت شود، امید به زندگی مشترک زیادتر است. این رابطه، اجمالاً در این مقاله تأیید شده است. البته این پژوهش نظریه ای در باب تحکیم خانواده است؛ که اگر بخواهد به صورت عینی نشان داده شود، باید تعداد قابل توجهی از پرونده های طلاق مورد مطالعه و تحقیق میدانی قرار گیرد، تا نتیجه عملی آن نیز مشخص شود؛ اما با این وجود، بحث نظری این مسئله نیز بسیار حائز اهمیت است.

اسلام برای صیانت از این بنای ارزشمند اجتماعی و تحکیم آن، راه کارهایی را مطرح کرده است؛ یکی از آنها رعایت ارزش های اخلاقی توسط زوجین است. این پژوهش بر آن است تا این مهم، یعنی رابطه ارزش های اخلاقی با تحکیم خانواده را بررسی کند.

البته مسئله تحکیم خانواده با رویکردهای گوناگون و در قالب های متفاوت مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و آثاری در این زمینه پدید آورده اند، که در ادامه به برخی از آنها اشاره می گردد. اما بررسی رابطه ارزش های اخلاقی و تحکیم خانواده به طور خاص کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی با وجود آثار فراوان در این حوزه، اهمیت این موضوع، باب توجه و پژوهش در این مسئله را همچنان باز نگه داشته است. از جمله آثاری که در این باب به نگارش درآمده، می توان به کتاب *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث* (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳) اشاره کرد که با بهره گیری از آیات و روایات، به سه موضوع تشکیل خانواده، عوامل تحکیم خانواده و آسیب های خانواده پرداخته است. بخش نخست کتاب،

برخوردار خواهد بود. در خانواده‌ای که این عشق حاکم است، افراد نه به خاطر وجود نیازهای شخصی؛ بلکه به خاطر امور عقلانی و مقدسی چون پیروی و اطاعت از اوامر خداوند متعال، دست به تعامل می‌زنند (ابراهیمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۰). به عبارت دیگر، ارکان اساسی تحکیم خانواده مودت و رحمت خواهد بود. مودت همان دوستی و محبتی است که در فعل و رفتار بروز می‌یابد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۶۶). مودت از سنخ محبت است که می‌تواند ناشی از غریزه، یا فطرت و عقل باشد. اگر این دوستی و محبت براساس عقل باشد، با افزایش سن همسران و افزایش تجارب عقلی ایشان، پایه‌های زندگی مستحکم‌تر می‌گردد و در نتیجه اعضای خانواده با هم صمیمی‌تر و مهربان‌تر خواهند شد؛ ولی اگر معیار این عاطفه حس غریزی باشد، پایه سست و متزلزلی خواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۰).

۱-۴. ارزش‌های اخلاقی

واژه ارزش در فلسفه اخلاق دو کاربرد متفاوت دارد: گاهی ارزش در مقابل الزام، و ارزش اخلاقی در مقابل الزام اخلاقی به کار می‌رود؛ و گاهی معنای وسیع‌تر و عام‌تری از واژه ارزش اراده می‌شود، که هم الزامات اخلاقی و هم ارزش‌های اخلاقی و امور ناظر به فضیلت را شامل می‌شود. ارزش‌های اخلاقی در این کاربرد، به معنای کلیه اموری است که مطلوبیت اخلاقی دارند؛ چه افعال باشند و چه غیر افعال (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵). براساس هر کدام از کاربردهای ارزش اخلاقی، نوع مباحثی که مطرح می‌شود متفاوت است. ما در این نوشتار سخن را بر ارزش اخلاقی به معنای عام آن متمرکز می‌کنیم و کلیه اموری که مطلوبیت اخلاقی دارند، مورد توجه قرار می‌گیرند.

۲. ارزش‌های اخلاقی و تحکیم خانواده

اسلام رشد و پایداری خانواده را در گرو مسائل مختلفی می‌داند؛ اما توجه به اصول اخلاقی و پایبندی به آنها نیرومندترین عامل درونی برای کنترل افراد از انجام رفتارهای غیرانسانی است. اگر همسران از فضایل اخلاقی بهره‌مند باشند، به سادگی از بسیاری از تنش‌ها، بدرفتاری‌ها و اختلافات ویرانگر مصون خواهند ماند و بنیاد خانواده مستحکم خواهد بود.

با دقت و تأمل در قرآن و سنت روشن می‌شود که اساسی‌ترین

«صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود» (ابن مسکویه، ۱۴۱۲ق، ص ۵). منظور از اخلاق در این پژوهش همین معنای اصطلاحی است.

۱-۲. خانواده

تعاریف متعددی از خانواده وجود دارد که هر یک با مبانی و رویکرد خاصی ارائه شده است. اما آنچه اجمالاً مورد اتفاق است اینکه خانواده را گروهی می‌دانند که با ازدواج دو جنس مخالف و پذیرش هنجارهایی به منظور زندگی مشترک در مکان واحد تشکیل می‌شود (ابراهیمی‌پور، بی‌تا، ص ۴۸).

۱-۳. تحکیم خانواده

تحکیم در لغت به معنای استوار کردن است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۳۰)؛ لذا اصطلاح تحکیم خانواده همان استواری و استقرار خانواده است که به طور قطع، منظور سر پا بودن خانواده با تحکم از سوی یک فرد و بردباری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی از سوی دیگر نخواهد نبود. درواقع، مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال و حاکمیت اخلاق در خانواده است که به حفظ حقوق همه اعضا منجر شود. زیرا اگر هدف از ازدواج و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن به سکونت رسیدن زوجین است؛ لازم است همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم هم، به کمال رساندن همین سکونت است. اولین و مهم‌ترین عنصری که خانواده به آن قوام می‌یابد، وجود افرادی است که خانواده از آنها تشکیل شده است و حداقل آن، زن و شوهر است که با وجود فرزندان تکمیل می‌شود. در چنین فرضی، خانواده از ثبات حداقلی و تحکیم فیزیکی برخوردار است. اما آنچه به این حضور فیزیکی معنا بخشیده و خانواده را از تحکیم بیشتری برخوردار می‌سازد، احساس تعلق و پیوند میان اعضاست. کمترین احساس تعلق و پیوند با حاکمیت عدالت محقق می‌شود که پایه آن رعایت ارزش‌های اخلاقی است و درجه بالاتر تحکیم، مربوط به خانواده‌ای است که محبت بر آن حاکم است و اعضای آن به یکدیگر عشق ورزیده و دوری از همدیگر را بر نمی‌تابند. حال اگر این ارتباط عاطفی مبتنی بر ویژگی‌های عقلانی و پایدار باشد، خانواده از نهایت درجه تحکیم

اصل اخلاقی در تحکیم روابط زوجین، رفتار نیکوست (معاشرت معروف) که در آیه ۱۹ سوره «نساء» به آن تصریح شده است. نکته قابل توجه آنکه در مفهوم معاشرت، مشارکت نهفته است؛ یعنی زنان و مردان هر دو موظفاند براساس معروف با هم رفتار کنند و این رفتار پسندیده اختصاص به یک طرف ندارد.

هرچند معاشرت به معروف، دایره وسیعی از اخلاقیات را شامل می‌شود؛ اما با یک تقسیم‌بندی می‌توان مؤلفه‌های اخلاقی مؤثر در تحکیم خانواده را در قالب رفتارهای کلامی و غیر کلامی دسته‌بندی کرد. در اینجا مهم‌ترین مصادیق آنها را مرور می‌کنیم:

۲-۱. ارزش‌های کلامی

ارتباط کلامی میان اعضای خانواده نقش اساسی در تحکیم یا فروپاشی خانواده دارد؛ تا آنجا که گاهی یک جمله مسیر زندگی را تغییر می‌دهد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنَ الْكَلَامِ وَلَا أَفْحَحَ مِنْهُ، بِالْكَلَامِ ابْيَضَّتِ الْوُجُوهُ وَ بِالْكَلَامِ اسْوَدَّتِ الْوُجُوهُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۷)؛ خداوند چیزی زیباتر از سخن و نیز زشت‌تر از سخن نیافریده است؛ [زیرا] با سخن گفتن، انسان روسفید و خوشبخت می‌شود و [نیز] با سخن گفتن، انسان روسیاه و بدبخت می‌گردد؛ و این بدان معناست که زبان، سرنوشت انسان را تعیین می‌کند. به همین جهت در آموزه‌های دینی دستورات فراوانی درباره آداب سخن گفتن ارائه شده است.

در اینجا مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی که در گفتار یا رفتار بروز می‌کند و به نحوی در تحکیم خانواده نقش دارند را مرور می‌کنیم:

۱-۱-۲. راست‌گویی و پرهیز از دروغ

راست‌گویی یکی از فضایل اخلاقی است که نقش حیاتی در استحکام خانواده دارد؛ زیرا راست‌گویی اعتماد ایجاد می‌کند و در نتیجه صمیمیت و محبت را افزایش می‌دهد. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب: ۷۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید.

علامه طباطبائی می‌نویسد: «قول سدید عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد؛ پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و یا مایه افساد نباشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۲۳) و

مؤلف تفسیر اثنا عشری می‌نویسد: «منظور از سخن استوار این است که گفتار صدق باشد نه کذب، صواب باشد نه خطا، جد باشد نه هزل، خالص باشد نه مشوب. خداوند در یک کلمه جامع، هر چهار مرتبه را اشاره فرموده است» (بالغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۴۹۶).

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «أَرْبَعٌ مَنْ أَعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، صِدْقٌ حَدِيثٌ وَ آدَاءٌ أَمَانَةٌ وَ عِفَّةٌ بَطْنٌ وَ حُسْنُ خَلْقٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۴)؛ چهار چیز است، که به هر کس بخشیده شده باشد، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: راست‌گویی در گفتار، امانت‌داری، نگهداری شکم از حرام و خوش‌اخلاقی.

به‌همان میزان که راست‌گویی اعتماد و محبت ایجاد می‌کند، دروغ‌گویی موجب سست‌شدن پیوندها می‌شود. خداوند متعال در مذمت دروغ می‌فرماید: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ...» (نحل: ۱۰۵)؛ تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان ندارند.

خداوند در این آیه دروغ‌گویان را در سر حد کافران و منکران آیات الهی قرار می‌دهد. گرچه مورد آیه، دروغ و افترا بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ولی زشتی دروغ اجمالاً در این آیه مجسم شده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۱۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: به خانواده خود دروغ نگویند؛ زیرا دروغ کلید همه بدی‌ها و تباهی‌هاست (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۹، ص ۲۵۴). همچنین امیرمؤمنان علی علیه السلام دروغ را مایه فساد هر چیزی دانسته‌اند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۰).

حضرت زهرا علیها السلام چون احساس فرا رسیدن مرگ خویش کرد، خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «ای پسرعمو! احساس می‌کنم که مرگ من فرا رسیده است و چنان هستم که تردید ندارم به اینکه هر ساعت به پیوستن به پدرم نزدیک‌تر می‌شوم؛ و اکنون به چیزهایی که در دل دارم، تو را وصیت می‌کنم». علی علیه السلام گفت: ای دختر رسول خدا! به آنچه می‌خواهی وصیت کن؛ و کنار بالین او نشست. حضرت فرمود: «ای پسرعمو! می‌دانم که هرگز دروغ نگفته‌ام و از هنگامی که با یکدیگر زندگی مشترک داریم، با تو مخالفتی نکرده‌ام» (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۴۷).

تأکید بر صداقت و عدم مخالفت با همسر در طول زندگی مشترک در حساس‌ترین لحظات و واپسین اوقات زندگی، حاکی از اهمیت و نقش آفرین بودن این مسئله در زندگی مشترک است. عایشه نیز درباره صداقت حضرت زهرا علیها السلام می‌گوید: هیچ‌کس را

بیان حضرت، گویای این مطلب است که اشتباهات و لغزش‌هایی که در محیط خانواده از ناحیه زن یا شوهر صورت می‌گیرد، می‌تواند مایه ایجاد کدورت و تیرگی روابط شود و چنانچه این تیرگی با عفو و گذشت جبران نشود، زمینه ایجاد اختلافات و درگیری‌های خانوادگی فراهم می‌گردد. سیره معصومان علیهم‌السلام نیز چنین بوده است که گذشت از اشتباه و خطای همسر را یکی از حقوق همسر دانسته و بدان ملتزم بودند. اسحاق بن عمار می‌گوید: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: حق زن بر مرد چیست که با انجام آنها، انسان نیکوکار محسوب شود؟ امام فرمود: خوراک و پوشاک او را فراهم کند و اگر خطایی از او سر زد، از او بگذرد. سپس فرمود: پدرم امام باقر علیه‌السلام همسری داشت که به او آزار می‌رساند؛ ولی پدرم او را مورد عفو و بخشش قرار می‌داد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶ ص ۵۱۰).

عفو و گذشت از خطای دیگران علاوه بر اثرات مثبت خانوادگی، آثار فردی برای خود شخص نیز خواهد داشت؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «با چشم‌پوشی و تغافل از چیزهای کوچک، خود را بزرگ کنی و بر قدر و منزلت خویش بیافزایی» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴).

۲-۱-۳. قدردانی و سپاس‌گزاری

قدردانی و تشکر از خدمات دیگری از ویژگی‌های انسان متعالی و از ارزش‌ها و فضایل مهم اخلاقی است که مورد تأکید اسلام است. این مهم در حوزه خانواده اهمیت بسزایی دارد. اگر زن و مرد از زحمات و خدمات یکدیگر سپاس‌گزاری کنند، به پایداری خانواده کمک کرده‌اند. سپاس‌گزاری از دیگران، بهترین شیوه و در عین حال ارزان‌ترین اقدام برای دریافت خدمات و مهربانی‌های بیشتر است؛ زیرا باعث می‌شود طرف مقابل نه تنها خسته و دل‌سرد نشود؛ بلکه محرکی برای ادامه فعالیت‌هایش داشته باشد (نیلی‌پور، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۶).

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: زنی که از شوهرش سپاس‌گزاری و تشکر نکند خداوند به او نظر رحمت نمی‌کند (نسائی، بی‌تا، ج ۵ ص ۳۵۴). همچنین حضرت بهترین زنان را کسانی می‌دانند که هنگام بخشش چیزی به آنان، شکرگزار باشند (محدث نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۱۶۱).

۲-۱-۴. ملایمت و نرمی در گفتار

از ارزش‌های اخلاقی که در ایجاد دوستی و محبت بین انسان‌ها مؤثر است، ملایمت و نرمی در صحبت کردن است. این صفت دو

راستگوتر از فاطمه علیها‌السلام نیافتم (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۶۸). به عبارت دیگر، صداقت، سیره مداوم و مستمر حضرت در تمام زندگانی بوده و در زندگی مشترک، این مسئله نمود بیشتری داشته؛ به‌گونه‌ای که مورد تأکید و اقرار ایشان قرار می‌گیرد.

بنابراین یکی از عوامل مهمی که در پایداری نظام خانواده نقش‌آفرین است، رعایت صداقت در گفتار است؛ زیرا در خانواده اگر زن احساس کرد شوهرش به او دروغ می‌گوید، یا مرد احساس کرد که زنش به او دروغ می‌گوید، و هر کدام احساس کردند دیگری در اظهار محبت صادق نیست؛ پایه‌های محبت خانوادگی سست خواهد شد و مقدمات بی‌اعتمادی فراهم می‌آید (بانکی‌پورفرد، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

۲-۱-۲. عذرخواهی و عذرپذیری

انسان‌های غیرمعصوم، حتی پاک‌ترین و آگاه‌ترین آنها، در برخی موارد دچار لغزش و خطا می‌شوند. اما آنچه می‌تواند کدورت‌ها را از میان برداشته و صفا و صمیمیت را در روابط خانوادگی برقرار کند، عذرخواهی هنگام خطاست. عذرخواهی، از تواضع و نداشتن غرور کاذب نشئت می‌گیرد که از فضایل مهم اخلاقی است، و رعایت این اصل در زندگی مشترک موجب جلوگیری از اختلاف و مانع از بروز عقده‌ها و کینه‌ها می‌گردد (متقی هندی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۷۳) و محبت و صمیمیت را افزایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

البته در کلام معصومان علیهم‌السلام پذیرش عذر، نشانه خردمندی؛ و عدم پی‌گیری خطا، نشانه کرامت و بزرگواری معرفی شده است و این بدین معناست که در روابط اجتماعی انسان‌ها، رعایت این دو اصل در کنار هم زینده و نشانه کرامت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۸۸).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: بدترین زنان آن زنی است که عذر نمی‌پذیرد و اشتباه شوهرش را نمی‌بخشد (محدث نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۱۶۷). این کلام نورانی بیانگر این مطلب است که اولاً مردان باید در هنگام خطا از همسرانشان عذرخواهی کنند؛ و ثانیاً زنان باید عذرپذیر باشند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گذشت از خطاها را موجب رفع کینه و کدورت دانسته و می‌فرماید: «نسبت به یکدیگر گذشت کنید، تا کینه‌هایتان برطرف شود (متقی هندی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۷۳)؛ زیرا با چشم‌پوشی و تغافل از چیزهای کوچک، بر قدر و منزلت شخص افزوده می‌شود (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴).

همسر باقی خواهد ماند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۰). در مورد زن هم سفارش شده که عشق و علاقه خود به همسرش را با دل‌ربایی اظهار کند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۳). این بحث در سیره حضرت زهرا^{علیها السلام} نیز دیده می‌شود. ایشان بارها با عبارتی همچون فدایت شوم یا جانم فدای تو یا ابالحسن، حضرت را مورد خطاب قرار می‌دادند (حائری مازندرانی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۶).

یکی از جلوه‌های عملی ابراز محبت، هدیه دادن است. روان‌شناسان معتقدند هدیه در ایجاد و ازدیاد محبت سهم بسیار بالایی دارد و علاوه بر افزایش محبت، موجب می‌شود اگر کینه‌ای در میان هست از بین برود (زاهدپور، ۱۳۹۶، ص ۸۳).

برخی از آثار هدیه دادن در کلام معصومان^{علیهم السلام} عبارتند از:

۱. هدیه موجب افزایش محبت می‌شود (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۲۸۷)؛

۲. هدیه دادن کینه‌ها را از بین می‌برد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵ ص ۱۴۴)؛

۳. هدیه مرد به همسرش باعث افزایش عفت زن می‌گردد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۱).

پیامبر^{صلی الله علیه و آله} فرمود: «هرکس تحفه‌ای بخرد و برای خانواده‌اش بیاورد، اجر او در پیشگاه الهی مانند کسی است که به مستمندان کمک کرده باشد» (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۵۷۷).

۴-۱-۶. به‌کارگیری القاب نیکو

از فضایل اخلاقی، تکریم و بزرگ شمردن دیگران است که یکی از جلوه‌های آن به‌کارگیری اسامی و القاب نیکوست. صدا زدن با نام مورد علاقه فرد و با القاب خوب، نوعی تکریم فرد و شخصیت‌دادن به اوست، که سبب ایجاد عشق و محبت می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). اهمیت این امر موجب شده که خداوند در قرآن نیز بدان اشاره کند؛ و در سوره «حجرات» می‌فرماید: «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات: ۱۱)؛ با القاب زشت و بد، صدا نزنید.

این امر در روابط خانوادگی ارزش و اهمیت بیشتری داشته و تأثیرات شگرفی در روابط زوجین ایجاد می‌کند. رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} یکی از عواملی که موجب محبت می‌شود را همین مطلب دانسته و می‌فرماید: «سه چیز است که دوستی مسلمان را با مسلمان دیگر، صاف و خالص می‌کند: هنگامی که او را ملاقات می‌کند، با خوش‌رویی با او برخورد کند؛ زمانی که خواست کنار او بنشیند،

جنبه دارد: یکی جنبه ظاهری و شکلی، دوم جنبه باطنی که در کیفیت گفتار تأثیر می‌گذارد. قرآن می‌فرماید: «با نرمی و ملایمت سخن بگو» (اسراء: ۲۸)؛ یا در سوره «لقمان» می‌فرماید: «آرام و آهسته سخن بگو» (لقمان: ۱۹).

امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} در این باره می‌فرماید: «عَوِدٌ لِسَانِكَ لِيْنِ الْكَلَامِ وَ بَدَلُ السَّلَامِ؛ يَكْتُرُ مُحِيُوكَ وَ يَقِلُّ مُبْغِضُوكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۰)؛ زبانت را به نرمی گفتار و سلام عادت ده تا دوستدارانت بسیار و دشمنانت کم شوند. همچنین فرموده است: «سُنَّةُ الْأَخْيَارِ لِيْنُ الْكَلَامِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ»؛ روش نیکان، گفتار نرم و آشکار کردن سلام است.

یکی از جنبه‌های ملایمت در سخن، نفی خشونت‌های گفتاری است. آزار دادن یکدیگر در خانواده، به هر نحوی که باشد در آموزه‌های اهل بیت^{علیهم السلام} به‌شدت نفی شده است. در این راستا از پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} نقل شده: «هر زنی که شوهرش را با زبان بیازارد، اگر روزها روزه و شب‌ها عبادت کند، خدا هیچ‌یک از آنها را به‌خاطر بدزبانی او نمی‌پذیرد و اگر مرد هم درباره همسرش بدزبانی و ستم روا دارد، چنین گناه و عذابی به‌دنبال خواهد داشت» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۲۱۱).

به‌طور کلی خشونت‌های گفتاری که شامل تهمت و تحقیر و فریاد و توهین است، در روایات به‌شدت نهی شده و پیامدهای سنگینی برای انجام‌دهنده آن در نظر گرفته شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۹). اما انجام این خشونت‌ها در خانواده به مراتب آثار زیان‌بارتری داشته و موجب سلب آرامش اعضا می‌گردد. با مخدوش شدن آرامش خانواده، ارتباط کلامی زوجین کاهش یافته و ارتباط مؤثر و مفید برقرار نخواهد شد و بنیان خانه و خانواده آسیب خواهد دید.

۴-۱-۵. ابراز محبت

محبت به بندگان صالح خدا از فضایل اخلاقی است، که آثار و برکات زیادی به‌دنبال دارد. این مهم در حوزه خانواده موجب محکم‌تر شدن پیوند خانوادگی است. امام صادق^{علیه السلام} در این باره می‌فرماید: «هرگاه شخصی را دوست داشته‌ی به او اعلام کن؛ زیرا این کار انس و الفت بین شما را زیاد می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۴۴).

از این رو در خانواده برای انس و الفت بیشتر باید گاهی دوست داشتن‌ها به زبان آورده شود، تا بذر محبت در دل‌ها کاشته شود؛ زیرا بنا بر فرمایش پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} تأثیر این ابراز علاقه همواره در قلب

توجه به اصل مهم نیکو سخن گفتن در خانواده، می‌تواند رفتارهای ناشایست طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و عامل تغییر رفتار شود و بدین وسیله از مشاجرات و اختلافات کلامی پیشگیری کند.

۲-۲. ارزش‌های غیر کلامی

ارتباط کلامی هرچند اساسی‌ترین شیوه مفاهمه در خانواده به‌شمار می‌رود؛ اما در حوزه برخورد‌های عاطفی، این نمادهای غیر کلامی هستند که نقشی بی‌مانند در تعامل عاطفی دارند. از این‌رو چگونگی رفتارهای غیر کلامی همسران در خانواده تأثیر مستقیم در تحکیم یا تزلزل خانواده خواهد داشت.

۲-۲-۱. تکریم و تجلیل

تکریم در لغت به معنای حرمت نگاه‌داشتن و بزرگ‌شمردن و گرامی‌داشتن است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۲۶) که در روابط خانوادگی به‌صورت گرامی‌داشتن و ارج نهادن به یکدیگر است و به دو شکل کلامی و غیر کلامی تحقق می‌یابد. از منظر معصومان^ع تکریم یکی از حقوق مسلم همسران است؛ چنان‌که در رساله حقوق امام سجاد^ع در این‌باره آمده است: «حق همسر آن است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است. پس بدان که همسری او نعمتی الهی است و بر توست که او را تکریم کنی و احترام کنی» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۱).

بزرگداشت و تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسانی است. انسان به دلیل غریزه حب ذات که در طبیعت او نهاده شده، به ذات خویش علاقه دارد و مایل است دیگران نیز شخصیت او را بپذیرند و گرامی بدارند. اگر این نیاز طبیعی در خانواده تأمین شود، فرد احساس آرامش و اعتماد به نفس می‌کند و نگاه خوش‌بینانه‌ای به همسر خویش خواهد داشت (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۳۸). از این‌رو در سیره پیامبر اکرم^ص و ائمه اطهار^ع این موضوع مورد توجه قرار داشته و سفارش زیادی به آن شده است.

پیامبر اکرم^ص مردانی را که همسران خود را مورد احترام و تکریم قرار نمی‌دهند، انسان‌هایی به‌دور از شأن انسانی و در بند فرومایگی برشمرده و فرمودند: «تکریم نمی‌کنند زنان را مگر اشخاص بزرگوار، و تحقیر نمی‌کنند آنان را مگر فرومایگان» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۳۷۱).

برایش جا باز کند؛ با بهترین نامی که دوست دارد، او را صدا زند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۴۳).

همان‌طور که تکریم اعضای خانواده با به‌کارگیری اسامی و القاب نیکو، می‌تواند محبت ایجاد کند؛ بدزبانی و تحقیر می‌تواند تنفر به‌وجود بیاورد و موجب سست شدن بنیاد خانواده شود.

پیامبر اکرم^ص می‌فرماید: «لیس المؤمن بالطعان و لا باللعان و لا بالسب و لا البذی» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۱۴)؛ مؤمن، طعنه‌زن، دشنام‌گو و بدزبان نیست.

۲-۱-۷. نیکو سخن گفتن

سخن نیکو گفتن و پرهیز از توهین و تمسخر، از فضایی است که در تحکیم خانواده نقش‌آفرین است. قرآن همگان را از سخن ناروا و کلامی که دل را بیازارد و قوی که در آن توهین به مردم، یا مسخره کردن افراد باشد، نهی کرده است: «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ...» (حجرات: ۱۱)؛ نباید قومی به قوم دیگر ریشخند زند؛ شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را؛ شاید آنان بهتر از اینان باشند.

کلمه سخریه، که مبدأ اشتقاق کلمه یسخر است، به معنای استهزاء است؛ و استهزاء عبارت است از اینکه چیزی بگویی که با آن، کسی را حقیر و خوار بشماری؛ چه اینکه چیزی را به زبان بگویی و یا به منظوری اشاره‌ای کنی، و یا عملاً تقلید طرف را درآوری؛ به‌طوری‌که بینندگان و شنوندگان بالطبع از آن سخن و یا اشاره، و یا تقلید بخندند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۱).

تمسخر، موجب تباه‌شدن شخصیت افراد دیگر شده و در نتیجه سب می‌شود مردمان احترام یکدیگر را پاس ندارند و روابط صحیح انسانی و اجتماعی زیرسؤال برود و قراردادهای مقبول اجتماعی گسسته شود.

در حدیثی از امام صادق^ع نیز آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «لِيَأْذَنُ بِحَرْبٍ مَنِّي مَنْ أَدَّلَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۹)؛ کسی که بنده مؤمن مرا خوار شمارد، خود را برای جنگ با من آماده کند.

امیرمؤمنان علی^ع می‌فرماید: «با زنان، خوش‌گفتار و نیکو سخن باشید؛ تا ایشان هم خوش‌کردار و نیکورفتار شوند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۴). درواقع حضرت، نیکویی سخن را عامل مؤثر در تغییر رفتار دانسته و به آن سفارش می‌کنند. لذا براساس فرمایش امام^ع

هم مرا به خشم نیاورد و از دستور من سرپیچی نکرد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۳۴). از این بیان گهربار دو نکته اساسی استفاده می‌شود: اول اینکه حضرت عدم خشم خود و همسر بزرگوارشان را یک رفتار مستمر می‌دانند که تا پایان عمر ادامه داشته است و لذا پرهیز از عصبانیت و داشتن کظم‌غیظ در زندگی باید مستدام باشد؛ دوم اینکه حضرت به یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد خشم و عصبانیت در روابط خانوادگی اشاره کرده و عدم اجبار همسر به انجام کار و در مقابل، اطاعت‌پذیری همسر را مطرح می‌فرمایند که بسیار حائز اهمیت است.

از طرفی، خشم در کلام معصومان علیهم‌السلام کلید همه بدی‌ها (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۳)، ابزار صید شیطان (محدث نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۹)، عامل هلاکت و آشکار شدن زشتی‌ها (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۲) و موجب تضعیف قدرت تفکر (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۵) دانسته شده و ایشان کنترل خشم را موجب عزیز شدن نزد دیگران و گسترش روابط اجتماعی معرفی کرده‌اند (همان، ص ۱۱۰). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سفارشی والا می‌فرمایند: «هیچ مرد مؤمنی نسبت به همسر مؤمنه‌اش خشم نمی‌گیرد و از او متنفر نمی‌شود؛ زیرا اگر از یکی از خلقیات او ناخوشایند باشد، از اخلاق دیگرش خشنود است» (اسفرائینی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۴۱).

این توصیه‌ها و سفارشات به کنترل خشم در روایات از این روست که مدیریت نکردن رفتارها به‌هنگام خشم در خانه، نه تنها موجبات نارضایتی خداوند را به دنبال دارد؛ بلکه فضای الفت خانواده را از بین می‌برد و سردی و بی‌محبتی را میان زوجین حاکم می‌کند. با کمرنگ‌شدن روابط عاطفی، ابعاد مختلف زندگی نیز دچار آسیب‌هایی می‌شود و دیگر خانواده محیط مناسبی برای پرورش و تربیت نخواهد بود. همسرانی که بتوانند با تقویت خویش‌داری، کنترل زبان، سکوت و خاموشی، درست فکر کردن، داد نزدن، فحاشی نکردن و... مهار خشم خویش را در دست بگیرند و هیجان‌های خود را مدیریت کنند، در حقیقت مانع اصابت شعله‌های عصبانیت به زندگی مشترک‌شان شده و بنیان خانواده را استوار کرده‌اند.

۲-۳-۲. صبر و شکیبایی

صبر و شکیبایی از فضایل اخلاقی است که نقش مهمی در پایداری زندگی خانوادگی دارد. زن و مرد هرچه از نظر روحی به هم نزدیک باشند،

در سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز بحث تکریم تا بدان‌جا ارزش‌گذاری شده که امام صادق علیه‌السلام آن را ملاک خوشبختی قرار داده و فرمودند: «زن خوشبخت کسی است که همسرش را تکریم کند و او را اذیت نکند» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۲۸۰).

با رعایت احترام و تکریم هر کدام از همسران، رشته محبت در میان آنان استوارتر و پیمان زناشویی با دوام‌تر خواهد شد. بدین ترتیب، بسیاری از کدورت‌ها و نزاع‌های خانوادگی به‌آسانی از بین خواهد رفت؛ زیرا بسیاری از بگومگوها و جدال‌های لفظی و فیزیکی در زندگی، هنگامی به‌وجود می‌آید که حرمت و احترام میان زن و مرد در خانواده از بین برود. زن از مرد انتظار دارد که بیش از دیگران به او احترام بگذارد؛ زیرا مرد را شریک زندگی و بهترین یار خود می‌شمارد؛ شبانه‌روز برای آسایش شوهر و فرزندانش زحمت می‌کشد. این احترام به زن، حق شناسی، صفا و مودت شوهر را اثبات می‌کند و موجب دل‌گرمی و تقویت روابط دوطرفه آنها خواهد شد. لذا همسرانی که احساس کرامت و شخصیت در زندگی را از جانب همسر خویش تجربه کنند، تحمل ناملایمت زندگی برایشان دشوار نخواهد بود و با سختی‌های زندگی برخوردی عاقلانه خواهند داشت.

۲-۲-۲. کنترل خشم

کظم‌غیظ و کنترل خشم از ارزش‌های مهم اخلاقی است که نقش اساسی در تحکیم خانواده دارد. آغاز بسیاری از اختلافات و درگیری‌های خانوادگی و اجتماعی این است که افراد در حال عصبانیت بر خودشان مسلط نیستند و نمی‌توانند خشمشان را کنترل کنند. اگر زوجین بتوانند خشم خود را کنترل کنند، یکی از ریشه‌های اصلی اختلاف را قطع کرده‌اند. درواقع غریزه غضب جزء سرشت انسان است و انسان‌ها وقتی منافع‌شان به‌خطر می‌افتد، به‌صورت طبیعی عصبانی می‌شوند؛ زیرا خداوند متعال حکیمانه این غریزه را در نهاد انسان قرار داده است. آنچه مهم است، استفاده به‌جا از این غریزه است که باید تحت کنترل عقل قرار گیرد. خداوند متعال در معرفی اهل تقوا می‌فرماید: «آنهايي که از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم خود را فرونشانند و...» (آل عمران: ۱۳۴).

این اصل در سیره معصومان علیهم‌السلام جایگاه خاصی داشته است. امیرمؤمنان علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «به خدا قسم تا پایان عمر فاطمه علیها‌السلام یک بار او را به خشم نیاوردم و بر کاری مجبور نساختم و او

است. هنگامی که مرد مسلمانی ازدواج می‌کند می‌خواهد همه خوبی‌ها و زیبایی‌های همسرش در انحصار او باشد؛ و انتظار دارد همسرش با حیا و عفت باشد؛ که یکی از جلوه‌های آن رعایت پوشش و حجاب است؛ و او را در تحقق خواسته مشروعش یاری کند. اگر زن به صفت حیا و عفت که یکی از فضایل مهم اخلاقی است، متصف باشد و به وظیفه اسلامی و اجتماعی خود عمل کند، آرامش خاطر بیشتری در زندگی حاکم شده و صفا و صمیمیت بین زوجین بیشتر خواهد شد (زاهدپور، ۱۳۹۶، ص ۵۴). البته نباید تصور کرد که عفت تنها از صفات اختصاصی زنان است؛ بلکه براساس آموزه‌های دینی، این صفت برای همه مردان و زنان ضروری است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۹).

مروری بر زندگی سراسر معنوی و نورانی حضرت زهرا[ؑ] هم، حاکی از اهتمام حضرت به رعایت حیا و عفاف حداکثری است. وقتی پیامبر[ؐ] کارهای درون خانه را به فاطمه[ؑ] و کارهای بیرون را به علی[ؑ] واگذار کرد؛ حضرت احساس خود را این چنین ابراز کردند که: «هیچ کس جز خداوند میزان شادی و سرور مرا از اینکه رسول خدا^ﷺ مرا از هم دوشی با مردان معاف فرمود، نمی‌داند» (حمیری، ۱۴۲۳ق، ص ۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۸۱).

همچنین در روایت است که امیرمؤمنان علی[ؑ] دوست نداشت به زنان جوان سلام کند، و می‌فرمود: می‌ترسم صدای آنان مرا به‌وجود آورد و گناهِش بیش از ثوابش باشد (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۷۴). این تأکید و اهتمام بر رعایت حیا در سیره معصومان[ؑ] گویای اثرات فراوان رعایت حیا در زندگی است؛ زیرا زنان و مردان عفیف و باحیا در ارتباط‌گیری با نامحرمان برای خود محدودیت‌هایی قائل می‌شوند که این امر در استحکام روابط خانوادگی و ارتباط زوجین تأثیر بسزایی دارد. در حقیقت خویش‌نمایی و عفاف، محیط خانواده را از فساد اخلاقی و اختلافات ویران‌گر در امان می‌دارد؛ زیرا عفت، بزرگ‌ترین عامل حفظ انسان از غلتیدن به ورطه فساد و تباهی است. انسان عفیف، بیش از حد لازم طلب نمی‌کند و در زندگی زناشویی به همسر خود قانع بوده، در پی هوسرانی نمی‌رود و به‌طور قطع این امر یکی از عوامل تحکیم بنیان خانواده خواهد بود.

۲-۲-۵. پرهیز از تجمل‌گرایی

از دیگر صفات اخلاقی که در پایداری زندگی خانوادگی نقش‌آفرین است، قانع بودن و پرهیز از تجمل‌گرایی است. حاکم‌شدن روح

باز دو نفری هستند که در محیط‌های متفاوت و در دو خانواده گوناگون رشد کرده‌اند و به‌طور طبیعی در مواردی اختلاف‌نظر خواهند داشت. اگر در موارد اختلاف سعه صدر و شکیبایی از خود نشان دهند، مشکلی پیش نمی‌آید؛ اما اگر بردباری و صبر نداشته باشند، زندگی خانوادگی را دچار بحران می‌کنند و ممکن است اساس خانواده را از هم بگسلند.

قرآن کریم ایمان‌آوردگان به خداوند را خطاب قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا» (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی کنید و باهم پایداری ورزید. پیامبر اکرم[ؐ] در ارزشمندی این گنجینه گران‌بها فرموده است: «شکیبایی بهترین مرکب است؛ خداوند به هیچ بنده‌ای روزی بهتر و فراختر از شکیبایی نداده است» (محدث نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۲۶).

همچنین حضرت درباره صبر و شکیبایی در برابر ناملایمات خانوادگی فرمود: «هر مردی که در برابر بداخلاقی همسرش شکیبایی ورزد، خداوند همان ثوابی را به وی می‌دهد که به ایوب در قبال گرفتاری‌اش عطا کرد؛ و هر زنی که در برابر بداخلاقی شوهرش شکیبایی ورزد، خداوند همانند ثواب آسیه را به او عطا می‌فرماید» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۳) و عذاب قبر از او برداشته می‌شود (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۵).

کسی از عایشه درباره اخلاق پیامبر[ؐ] سؤال کرد؛ او در پاسخ گفت: «مگر قرآن نخوانده‌ای که می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ سپس حکایتی از شکیبایی حضرت نقل کرد. او گفت: جمعی از اصحاب حضور پیامبر[ؐ] بودند؛ من برای حضرت غذایی درست کردم؛ حصه همسر دیگر پیامبر[ؐ] هم غذایی درست کرد؛ او در تهیه آن از من پیشی گرفت و غذا را خدمت حضرت آورد؛ من به کنیزم گفتم: برو و غذای حصه را واژگون کن. هنگامی که حصه خواست تا ظرف غذا را خدمت پیامبر[ؐ] بگذارد، کنیز من آن را واژگون کرد؛ غذا روی زمین ریخت و ظرف هم شکسته شد. غذای من که آماده شد، خدمت حضرت فرستادم. پیامبر[ؐ] خدا آن را برای حصه فرستاد و فرمود: این ظرف را به جای آن ظرف بردارید و از غذای آن بخورید و در مقابل بی‌مهری من بردباری کرد (شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۵۰).

۲-۲-۴. حیا و عفت

اساساً یکی از زمینه‌های بروز اختلاف در خانواده‌های مسلمان، حساسیت زن و مرد، به‌ویژه شوهر درباره روابط همسر با نامحرمان

بستگان سببی و نسبی، عفو و گذشت را مبنای زندگی قرار دهند (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۹، دعای ۲۶).

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ و نیکی با بدی یکسان نیست؛ (بدی را) به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک‌دل می‌گردد.

اما اهتمام به این اصل، در روابط همسران اهمیت دوچندان داشته و از آنجاکه بین همسران به‌طور طبیعی اختلاف نظر و سلیقه وجود دارد و چه‌بسا فرهنگ و تربیت آنان نیز متفاوت باشد، گذشت و نادیده گرفتن برخی امور ناخوشایند، ضرورتی انکارناپذیر است.

پیامبر اکرم ﷺ که خود مظهر عفو الهی بود، در هر جایی که عفو را موجب رشد و تربیت خطاکننده می‌دانست، آن را انجام داده و به گفته یکی از همسران حضرت، پیامبر ﷺ در امور مربوط به خود هیچ‌گاه انتقام نمی‌گرفت؛ مگر آنکه حرمت الهی مخدوش شود؛ که در آن صورت برای حفظ حرمت الهی انتقام می‌گرفت (ابن‌سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۷۵). به عبارت دیگر، براساس این روایت سیره رسول خدا در امور خانوادگی بر مبنای گذشت و عفو بوده و هیچ‌گاه در این امور شخصی در پی انتقام نبودند.

همچنین حضرت پیروان خود را به عفو و گذشت فراخوانده و فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَأَيُّزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا بِعِزِّكُمْ اللَّهُ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۸)؛ بر شما باد گذشت؛ زیرا گذشت، جز بر عزت بنده نمی‌افزاید. پس از یکدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزت بخشد.

نتیجه‌گیری

براساس آموزه‌های قرآن و سنت، یکی از مهم‌ترین عوامل تحکیم خانواده، رفتار همسران با یکدیگر به نیکی و رعایت ارزش‌های اخلاقی است. اهتمام به رعایت مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی در خانواده همانند: ارتباط کلامی صحیح و مؤثر؛ خوب سخن گفتن، سخن خوب گفتن، تکریم همسر، هدیه دادن، ترک تعصب‌های نابجا و... نقش شگرفی در برقراری ارتباط صحیح و پیشگیری از اختلافات خانوادگی دارد. از منظر نویسندگان این مقاله، رابطه ارزش‌های اخلاقی با تحکیم خانواده، رابطه‌ای دو سویه است: به گونه‌ای که

تجمل‌پرستی و اسراف بر خانواده عاملی است که مخصوصاً زنان را در یک حالت نارضایتی دائم نگه می‌دارد. مرد هم، وقتی توان برآوردن خواسته‌های روزافزون همسرش را نداشته باشد، گاه با تندی واکنش نشان می‌دهد (ضمیری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱). درک موقعیت خانواده، تشخیص منابع مالی و درآمد، مدیریت صحیح اقتصادی و توجه به خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی در سطح پایین‌تری قرار دارند، در ایجاد روحیه قناعت و پرهیز از فزون‌خواهی نقش بسزایی دارد.

مورخان نقل کردند که در یکی از مسافرت‌های پیامبر ﷺ، حضرت زهرا[ؑ] دست‌بند، گردن‌بند و گوشواره‌ای از نقره و پرده‌ای برای درب حجره، تهیه کرد. پیامبر ﷺ پس از بازگشت به دیدار دخترش رفت؛ پس از مشاهده پرده خانه و زیورآلات ساده فاطمه[ؑ] توقیفی کرد و به مسجد رفت. حضرت زهرا[ؑ] که گمان برده بود ناراحتی پیامبر ﷺ از دیدن آن دو دست‌بند و گردن‌بند و گوشواره‌ها و پرده است؛ آنها را بیرون آورد و پرده را باز کرد و به حضور حضرت فرستاد و به کسی که آنها را می‌برد، فرمود: به پدرم بگو دخترت سلام می‌رساند و می‌گوید: اینها را در راه خدا انفاق کنید. حضرت پس از مشاهده بخشش و ایثار فاطمه[ؑ] سه بار فرمود: پدرش فدای او باد (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۴۰۷). بی‌گمان توجه دادن نبی اکرم ﷺ به دختر بزرگوارشان، مصداق بارزی از اهتمام به ساده‌زیستی در زندگی مشترک و پرهیز از تجملات است. روایت سلمان از چادر حضرت فاطمه[ؑ] و تعجب او که می‌گوید: «شگفتا دختران کسرا و قیصر در لباس سندس و حریر، و دختر محمد^ﷺ در چادری است پشمینه و کهنه، با دوازده وصله» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۲۰۳) نیز گواه دیگری بر ساده‌زیستی این حضرات در زندگی خانوادگی است. الگوگیری از سبک زندگی خانوادگی معصومان و مینا قرار دادن سیره و روش آن حضرات در زندگی خصوصاً در بحث ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات، اثر فوق‌العاده‌ای در مهار زیاده‌خواهی و ایجاد روح قناعت در خانواده خواهد داشت که به تبع آن بسیاری از مشاجرات اقتصادی در منزل را کاهش می‌دهد.

۲-۲-۶. بخشش و گذشت

اصولاً در روابطی که انسان با هریک از افراد برقرار می‌کند، رعایت اصل گذشت و بخشش، تأثیر مهمی در روابط دوستانه داشته تا جایی که امام سجاده[ؑ] به مؤمنان تعلیم می‌دهد که در تعامل با

بانکی پورفرد، امیرحسین، ۱۳۹۱، *سیر دلبران (عوامل آرامش‌بخش و نشاط‌آفرین در خانواده)*، چ ششم، اصفهان، حدیث راه عشق. تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء. حائری مازندرانی، مهدی، ۱۳۹۷، *الکوکب الدر فی احوال النبی و البتول والوصی*، قم، تبیان.

حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۱۴ق، *وسایل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت. حسینی، داود، ۱۳۸۶، *روابط سالم در خانواده*، قم، بوستان کتاب. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۲۳ق، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

دیلمی، حسن، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب*، قم، رضی. زاهدپور، بتول، ۱۳۹۶، *افزایش محبت بین همسران*، قم، بوستان کتاب. زبیدی، محمدمرتضی، بی‌تا، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار مکتبه الحیاء.

شامی، محمدین یوسف، ۱۴۱۴ق، *سبیل الهدی و الرشاد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

صدوق، محمدین علی، ۱۴۰۰ق، *امالی*، بیروت، اعلمی. —، ۱۴۱۳ق، *من لایحضر الفقیه*، قم، انتشارات اسلامی. ضمیری، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۲، *درس‌نامه خانواده در اسلام*، قم، جامعه الزهراء.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین. طهماسبی، احمد، ۱۳۹۶، *سبک زندگی و تحکیم خانواده*، قم، باقوت. فتال نیشابوری، محمدین حسن، ۱۴۲۳ق، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم، دلیل ما.

کلینی، محمدین یعقوب، ۱۳۶۳، *اصول کافی*، تهران، اسلامیه. متقی هندی، حسام‌الدین، ۱۴۱۳ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، الرساله.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی. محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۷ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، آل‌البیت.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۳، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *فلسفه اخلاق*، نگارش و تحقیق احمدحسین شریفی، تهران، امیرکبیر.

معین، محمد، ۱۳۸۶، *فرهنگ معین*، تهران، زرین. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نسائی، عبدالرحمن، بی‌تا، *السنن الکبری*، بی‌جا، بی‌نا. نیلی‌پور، مهدی، ۱۳۸۵، *مدیریت خانواده*، قم، سلسبیل.

هرچه ارزش‌های اخلاقی توسط همسران رعایت شود، امید به زندگی مشترک بیشتر شده و این امر منجر به محکم شدن پیوندهای خانوادگی می‌گردد و برعکس هرچه در خانواده به مناسبات اخلاقی توجه نشود، به‌همان میزان موجبات اختلاف و ناپایداری روابط خانوادگی فراهم می‌گردد. هرچند فهم دقیق‌تر این رابطه با بررسی میدانی و مطالعه پرونده‌های طلاق و اختلافات خانوادگی محقق خواهد شد؛ اما با توجه به آنچه از کلام الهی و سیره و سخن معصومان علیهم‌السلام بیان شد؛ از جهت نظری این امر اثبات گردید.

.....منابع

صحیفه سجاده، ۱۳۸۹، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی. ابراهیمی پور، قاسم و همکاران، ۱۳۹۵، *راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام. —، بی‌تا، *شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام*، تهران، مرکز بررسی راهبردهای ریاست جمهوری. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدین هبة‌الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج‌البلاغه*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی. ابن‌سعد، محمد، ۱۴۱۸ق، *طبقات الکبری*، بیروت، دارالعلمیه. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن علی، ۱۳۸۷، *تحف العقول*، قم، ذوی‌القربی. ابن‌مسکویه، احمدین علی، ۱۴۱۲ق، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، بیدار. ابن‌منظور، محمدین مکرم، ۱۴۱۶ق، *لسان‌العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی. اسفرائینی، ابوعوانه، ۱۴۱۹ق، *مسند ابی‌عوانه*، بیروت، دارالمعرفه.